

متن پرسش

سلام: وقت بخیر. بنده خانوم دانشجوی ترم ۶ رشته پرستاری هستم که چند وقت پیش بواسطه یک بنده خدایی با آثار شما آشنا شدم واقعا استاد عالی هستند ولی استاد برام یه سوالی پیش اومده! شما در کتاب آشتی با خدا از طریق آشنایی با خود راستین فرمودین که همه ی حواس تن و جسم انسان در گرو روح هست و این روح هست که بطور کامل کنترل جسم رو بر عهده داره و در مورد نحوه بیهوشی و... توضیحاتی رو دادین. ولی استاد در کتابهای روانشناسی که پدر روانشناسی نوین افرادی مثل فروید و شاگردانش هستن برای انسان چیزی به اسم روح متصور نشده و گفته های اونها کاملا متفاوت با عرایض شما هست، حالا اینها به کنار من از ته قلبم به گفته های شما که اندیشه های راستین بزرگانی چون امام خمینی (ره) هست اعتقاد دارم ولی بنده به مقتضی رشته ام دروس روانشناسی و روانپزشکی و بصورت تخصصی پاس میکنم حالا با این اوصاف وقتیکه بیماریهای روانی و علت ایجادشون و راه و روش درمانشون که همه بر اساس گفته های امثال فروید هست و میخونم کاملا در تعارض می مونم توی یک عالم سوال که ذهنم نمیتونه بهشون جواب بده! الان در کل دنیا و کشورمون روانشناسان و روانپزشکان براساس گفته ها و درمانهایی که روانشناسی نوین توصیه کرده عملکرد دارن که در درمان خیلی از بیماریهای روانی هم موفق بوده اند! حالا استاد من چند روز دیگه برای کارورزی میرم بیمارستان روانی، اونجا باید در مقام یک پرستار به مریضهای روانی مشاوره بدم و بهشون کمک کنم در حالیکه خودم یه عالمه تعارض حل نشده دارم! اگه جایگاه و خود واقعی انسان نفس و روح هست پس چطوری میشه این بیماریهای روانی رو درمان کرد؟! اصلا دلیل این بیماریهای روانی چیه؟! گناه زیاد؟! مثلا چرا باید یک انسان به بیماری اسکیزوفرنی مبتلا بشه و بطورکلی چیزی از هدف متعالی انسانیت نفهمه و در عالم دیوانگی باشه و هزاران سوال دیگه که در اینجا مجال ذکر کردنشون نیست! ممنون میشم استاد بطور کامل بنده رو راهنمایی بفرمایین چون واقعا هیچ منبعی رو برای پاسخ دادن به سوالاتم جز شما ندارم متاسفانه اساتیدم هم که اصلا تو این فازها نیستن. با تشکر.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: موضوع معرفت نفس موضوع گسترده‌ای است که هر اندازه جلو بروید نکات جدیدی برای جواب به سوالاتتان ظهور می‌کند. عنایت داشته باشید که وقتی تن ابزار روح بود، حال اگر این ابزار خراب شود روح به همان اندازه نمی‌تواند خصوصیات و اراده‌های خود را آشکار کند.

از طرفی علم روانشناسی به عنوان یک علم تجربی از طریق آزمون و خطا متوجه رابطه‌ای بین بعضی حرکات و حالات روحی افراد شده و بنا نیست معرفت نفس، منکر این حوزه از علوم تجربی باشد. معرفت نفس ما را متوجه مرتبه‌ای بالاتر از آن بُعد از روحمان می‌کند که صرفاً نظر به جسم دارد و معتقد است اگر آن بُعد از تغذیه‌ی معنوی لازم بهره‌مند شود فشارهایی که روح در اثر تعلق به بدن برایش پیش می‌آید کم می‌شود، و حالا که شما با بیمارانی روبه‌رو هستید که سخت تحت تأثیر بدن‌شان هستند. در ابتدای امر باید با همان روش آزمون و خطا مشکل‌شان را حل کنید ولی نظرتان را از آن بُعد برترِ نفس بر ندارید تا در درازمدت با راهنمایی‌های بهتری بیماران را درمان کنید. موفق باشید